

## نگاهی به اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

دکتر محمد جواد شریعت باقری

تاسیس یک دادگاه کیفری بین المللی که صلاحیت رسیدگی به جرائم مهم بین المللی داشته باشد بایم و امیدهای بسیار همراه بوده و هست. سرانجام شرایط جدید بین المللی سال گذشته ۱۲۰ کشور جهان را بر آن داشت که به پیش نویس اساسنامه ای که به منظور تاسیس چنین دادگاهی تنظیم گردیده است رای مثبت بدهند.

اساسنامه دیوان مشتمل به ۱۲۸ ماده است که به تفصیل به تمامی آنچه که برای تاسیس یک محکمه تمام عیار لازم است پرداخته است. هریک از موضوعات مذکور در اساسنامه از قبیل صلاحیتها، اصول عمومی حقوق کیفری، محاکمه ها، انتخاب قضات، تعهدات دولتهای عضو و ... موضوع مباحثات بسیار بوده است.

این مقاله به منظور معرفی دیوان کیفری بین المللی و طرح مهمترین مسائل آن تنظیم و تحریر شده است.

مجله علمی و مطالعات فرشی  
رتال جامع علوم انسانی

### مقدمه:

مجمع عمومی سازمان ملل متحد که از سال ۱۹۸۹ به طور پی گیر مساله تاسیس یک دادگاه کیفری بین المللی را دنبال کرده بود سرانجام توانست « اساسنامه تاسیس دیوان کیفری بین المللی » را در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ ( ۲۶ تیر ماه ۱۳۷۷ ) به تائید اکثریت دولت های شرکت کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم (۱) که از ۱۶۰ کشور

---

۱- از مجموع کشورهای شرکت کننده، ۱۲۰ کشور رای مثبت، ۷ کشور رای منفی (از جمله آمریکا، چین، هند، قطر، اسرائیل) و ۲۱ کشور (از جمله جمهوری اسلامی ایران) به اساسنامه رای ممتنع داده اند. این رای گیری که با قیام و قعود انجام گرفت بیانگر مواضع کشورهای شرکت کننده در کنفرانس رم بود.

جهان گرد هم آمده بودند برساند (۲).

اساسنامه دیوان شامل ۱۲۸ ماده است که به موجب ماده ۱۲۶ آن اولین روز ماه بعد از شصتیمین روز از تاریخ تصویب، پذیرش موافقت یا الحاق شصتیمین دولت لازم الاجرا خواهد شد.

تاکنون ۸۲ دولت جهان که جمهوری اسلامی ایران از جمله آنها نیست اساسنامه را امضاء نموده اند (۳). اساسنامه تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۰ میلادی نزد سازمان ملل متحد در نیویورک برای امضای دولت‌ها مفتوح باقی خواهد ماند (ماده ۱۲۵).

این نوشتار مروری است بر مهمترین مسائل و موضوعات مربوط به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی. مسائلی که بیشترین نگرانی‌ها و یا امیدها را در پی داشته و یا دارد. در پایان از آنجا که نگارنده در کنفرانس دیپلماتیک رم حضور داشته است به مواضع کلی هیات نمایندگی ایران در خصوص بحث‌انگیزترین موضوعات اساسنامه اشاره خواهد کرد و نهایتاً تلاش خواهد شد که پیشنهادات عملی ارائه گردد. قبل از پرداختن به مهم‌ترین موضوعات مذکور در اساسنامه، لازم است مشخصات و ماهیت اساسنامه توضیح داده شود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

- ۲- برای ملاحظه تلاش‌های سازمان ملل در رابطه با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، ن. ک. به سند نهائی کنفرانس دیپلماتیک نمایندگان تام‌الاختیار ملل متحد در مورد تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی که به ضمیمه اساسنامه از سوی دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه منتشر شده است.
- ۳- تا تاریخ سوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۸، ۸۲ کشور اساسنامه را امضاء و ۲ کشور (سنگال - ترینیداد و توباگو) آن را به تصویب نهائی رسانیده‌اند (مرکز اطلاع‌رسانی سازمان ملل بر روی شبکه اینترنت).

## بخش اول

### مشخصات و ماهیت اساسنامه

#### الف - مشخصات اساسنامه :

نام رسمی اساسنامه « اساسنامه رم در مورد تاسیس دیوان کیفری بین المللی » (۴) است و در ۱۳ فصل و ۱۲۸ ماده تنظیم گردیده است. در این فصول در مورد صلاحیت های دیوان ، حقوق قابل اجرا ، اصول عمومی حقوق کیفری ، تشکیلات دیوان ، مسائل مربوط به تحقیق و تعقیب متهمین ، جریان محاکمه ، مجازاتها ، تجدید نظر و اعاده دادرسی ، همکاری های بین المللی با دیوان ، اجرای احکام دیوان ، بودجه و ... به تفصیل مقرراتی وضع شده است .

اساسنامه با یک سند نهائی که به تاریخچه اقدامات مجمع عمومی سازمان ملل در مورد تاسیس دیوان پرداخته همراه است . بعلاوه ، اساسنامه شامل ۴ ضمیمه یعنی قطعنامه مصوب کنفرانس رم ، اسامی کشورهای شرکت کننده در کنفرانس رم ، اسامی سازمان های دولتی شرکت کننده در کنفرانس ، و اسامی سازمان های غیر دولتی شرکت کننده در کنفرانس نیز هست .

اساسنامه سند رسمی سازمان ملل متحد است و بدین لحاظ به تمام زبان های رسمی سازمان ملل یعنی انگلیسی ، فرانسه ، عربی ، چینی ، اسپانیولی و روسی تنظیم گردیده که همگی سندیت دارند .

در قطعنامه مصوب کنفرانس رم تشکیل کمیسیونی به نام کمیسیون مقدماتی برای دیوان کیفری بین المللی متشکل از نمایندگان دولت های شرکت کننده در کنفرانس رم پیش بینی شده است .

این کمیسیون، که تا پایان اولین گرد همایی مجمع دولتهای عضو به حیات خود ادامه خواهد داد، مسئولیت تدوین متونی را که برای استقرار و شروع به کار دیوان لازمند به عهده دارد. مهمترین و حساس ترین این متون دو متن آئین دادرسی و عناصر تشکیل دهنده جرائم است که به موجب ماده ۹ اساسنامه در کنار اساسنامه قابل اجرا هستند (۵). مطابق بند ۶ از قسمت (و) قطعنامه مزبور پیش نویس « آئین دادرسی » و « عناصر تشکیل دهنده جرائم » می بایست تا قبل از تاریخ ۳۰ ژوئن سال ۲۰۰۰ به اتمام برسد. به همین دلیل مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه مصوب اجلاس پنجاه و سوم مورخ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۸ مقرر نمود که کمیسیون مزبور طی سه اجلاس در تاریخ های اسفند ۷۷، مرداد ۷۸ و آذر ۷۸ کار تهیه متون فوق الذکر را به پایان برساند.

### ب - ماهیت اساسنامه

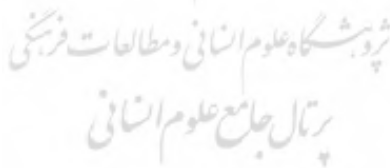
اساسنامه دیوان کیفری بین المللی قبل از هر چیز یک معاهده چند جانبه بین المللی است. بدین معنا که شماری از دولت ها با یکدیگر توافق می نمایند که دادگاهی بین المللی مطابق با صلاحیت ها و وظایف مذکور در اساسنامه تشکیل گردد و مرتکبین جرائمی را که در اساسنامه آمده است به مجازات برسانند. دولت ها، با توجه به مقررات اساسنامه، متعهد می شوند که با محکمه جدید التاسیس همکاری نموده و آرای صادره از آن را اجرا نمایند.

ابتنای دیوان بر یک معاهده بین المللی واجد این اثر خواهد بود که مقررات مربوط به حقوق معاهدات بر آن حکومت نماید. مثلاً معاهده علی الاصول نسبت به دولت های

۵ - سایر متون، پیش نویس های مربوط به موافقت نامه مربوط به روابط بین دیوان و سازمان ملل، موافقت نامه مقر، آئین نامه مالی، توافقنامه مربوط به امتیازات و مصونیت های دیوان، بودجه اولین سال مالی و آئین نامه داخلی مجمع دولت های عضو است.

غیر عضو اثری نداشته باشد (۶). بنابراین معقول خواهد بود که دیوان شکایت دولت غیر عضو را نپذیرد و در مقابل نیز دولت غیر عضو تعهدی در مقابل اقدامات و آراء دیوان نداشته باشد. ساختار معاهده ای دیوان، دادگاه جدید التاسیس را از دادگاه های کیفری بین المللی دیگری که در قرن حاضر به وجود آمده اند یعنی دادگاههای نورنبرگ و توکیو، دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق و دادگاه بین المللی رواندا نیز متمایز می سازد. دادگاه های نورنبرگ و توکیو توسط فاتحین جنگ دوم جهانی و به منظور محاکمه سران نازی و عاملان جنگ دوم جهانی به وجود آمدند. دادگاه یوگسلاوی سابق و دادگاه رواندا به ابتکار و نظر شورای امنیت

سازمان ملل متحد و در اجرای اختیاراتی که شورای مزبور معتقد است به موجب ماده ۴۱ منشور ملل متحد به عهده دارد به وجود آمده اند (۷). اما دیوان کیفری بین المللی نه به ابتکار شورای امنیت تاسیس می شود و نه ناشی از مقررات منشور ملل متحد است (۸).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۶- معذالک به زودی خواهیم دید که در پاره ای از فروض، دیوان کیفری بین المللی نسبت به رسیدگی به جرائمی که در سرزمین دولت غیر عضو یا توسط اتباع دولت غیر عضو ارتکاب یافته صلاحیت رسیدگی خواهد داشت.

۷- ماده ۴۱ منشور مقرر نموده است: «شورای امنیت می تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن به کارگیری نیروی مسلح نباشد لازم است».

۸- این مساله البته از مهمترین مسائل مربوط به اساسنامه بوده و هست که با وجود منشور و اقدامات شورای امنیت در اجرای منشور، چه رابطه ای می بایست بین دیوان و شورای امنیت وجود داشته باشد که بعداً بدان خواهیم پرداخت.

## بخش دوم

## مسائل کلان اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

همانطور که اشاره شد اساسنامه دیوان کیفری بین المللی متضمن موضوعات و مسائل فراوانی است که همه آنها در جای خود مباحثات و گفتگوهای بسیاری را به دنبال داشته و خواهد داشت. با وجود این حساس ترین و مساله برانگیزترین موضوعات مذکور در اساسنامه را می توان در ۵ گفتار خلاصه کرد: مسائل مربوط به صلاحیت دیوان (گفتار اول)، رابطه دیوان با شورای امنیت سازمان ملل متحد (گفتار دوم)، تشکیلات دیوان (گفتار سوم)، همکاری های بین المللی با دیوان (گفتار چهارم)، و هزینه های دیوان (گفتار پنجم).

## گفتار اول

## مسائل مربوط به صلاحیت دیوان

مسائل مربوط به صلاحیت دیوان را در ۴ قسمت می توان بررسی کرد: تکمیلی بودن صلاحیت دیوان نسبت به محاکم ملی (قسمت اول) جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است (قسمت دوم)، رضایت دولت ها در اعمال صلاحیت دیوان (قسمت سوم) و صلاحیت دیوان نسبت به اشخاص حقیقی (قسمت چهارم).

## قسمت اول

### تکمیلی بودن صلاحیت دیوان کیفری بین المللی نسبت به محاکم ملی

در دیباچه و ماده ۱ اساسنامه تصریح شده است که دیوان کیفری بین المللی «مکمل محاکم کیفری ملی» خواهد بود. تکمیلی بودن صلاحیت دیوان نسبت به محاکم ملی در مباحثات کمیته ویژه (Ad hoc) در سال ۱۹۹۵ به تفصیل مورد بحث واقع شده است و غالب نمایندگان شرکت کننده به این نکته تاکید داشته اند که اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نمی بایست صلاحیت رسیدی به جرائمی را که مطابق قوانین داخلی کشورها به محاکم ملی داده شده است نفی نماید. بلکه دیوان باید تکمیل کننده صلاحیت محاکم ملی باشد. بدین معنا که تنها در صورتی که دادگاه های ملی صلاحیت دار قادر یا مایل به رسیدگی به جرائم موضوع اساسنامه نباشند دیوان کیفری بین المللی صلاحیت رسیدگی به آن جرائم را داشته باشد. باوجود آنکه پاره ای از کشورهای شرکت کننده در این مباحثات پیشنهاد نموده بودند که تعریفی از تکمیلی بودن صلاحیت دیوان در اساسنامه منظور شود نهایتاً توافقی در این مورد صورت پذیرفت (۹).

سرانجام ماده ۱۷ اساسنامه (با اشاره به دیباچه و ماده ۱) مواردی را یاد آور شده است که در آنها دیوان مکلف است موضوعی را که بدان ارجاع شده است غیر قابل پذیرش اعلام نماید.

به موجب بند ۱ ماده ۱۷:

«باتوجه به بند ۴ مقدمه و ماده ۱، دیوان تصمیم خواهد گرفت که در موارد

ذیل موضوعی {توسط دیوان} غیر قابل رسیدگی است:

۹ - برای ملاحظه مباحثات مذکور، ن. ک. به:

الف: آن موضوع توسط دولتی که بر آن صلاحیت دارد، در دست تحقیق یا تعقیب است، مگر آن که آن دولت حقیقتاً مایل یا قادر به اجرای تحقیق یا تعقیب نباشد.

ب: در مورد آن موضوع توسط دولتی که بر آن صلاحیت دارد، تحقیق به عمل آمده و آن دولت تصمیم گرفته است که شخص مورد نظر را تحت پیگرد قرار ندهد، مگر آن که آن تصمیم ناشی از عدم تمایل یا عدم دولت بر پیگرد باشد.

ج: شخص مورد نظر قبلاً به خاطر رفتاری که موضوع شکایت است، محاکمه شده است و محاکمه توسط دیوان به موجب بند ۳ ماده ۲۰ مجاز نیست.

د: موضوع از چنان اهمیتی که اقدام دیگری از سوی دیوان را توجیه کند برخوردار نیست.»

بدین ترتیب هرگاه یکی از جرائم موضوع اساسنامه (۱۰) توسط شخص یا اشخاصی ارتکاب یابد و محکمه ملی صلاحیت دار مایل و قادر به دادرسی باشد و شروع به انجام آن نموده و یا دادرسی را به پایان برده باشد، دیوان کیفری بین المللی صلاحیت رسیدگی به جرم مزبور را نخواهد داشت.

باید خاطر نشان کرد که اولاً دادگاه ملی صلاحیت دار که رسیدگی وی مانع از رسیدگی دیوان خواهد شد منحصر به دادگاه های ملی کشورهای عضو اساسنامه نیست بلکه چنانچه جرمی در صلاحیت دادگاه دولتی باشد که به عضویت اساسنامه درنیامده است رسیدگی در دادگاه مذکور نیز (با لحاظ شرایط ماده ۱۷) مقدم بر رسیدگی دیوان خواهد بود.

ثانیاً دادگاه صلاحیتدار ملی به موجب اطلاعاتی تعیین می گردد که در نزد دیوان موجود است (۱۱). و ثالثاً دادگاه صلاحیت دار دادگاهی است که به موجب قوانین ملی صلاحیت رسیدگی به جرم مورد نظر را داشته باشد. بنابراین در صورتی که

۱۰- یعنی نسل کشی، جرائم علیه بشریت، جرائم جنگی و تجاوز.

۱۱- بند ۱، ماده ۱۸.



محاکم ملی کشوری از قانونگذار خود صلاحیت رسیدگی به جرائم نسل کشی، تجاوز، جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت را دریافت نکرده باشند نمی توانستند به عنوان « دادگاه صلاحیت دار به رسیدگی جرمی که در صلاحیت دیوان است » تلقی شوند. این بدان معناست که دولت هائی که مایل به رسیدگی به جرائم مذکور هستند می بایست به لزوم قانونگذاری در این خصوص توجه نمایند.

## قسمت دوم

### صلاحیت های دیوان کیفری بین المللی

به موجب ماده ۵ اساسنامه، دیوان نسبت به رسیدگی به ۴ جرم صلاحیت خواهد داشت: ۱- نسل کشی (۱۲) (کشتار جمعی) ۲- جرائم علیه بشریت (۱۳) ۳- جرائم جنگی (۱۴) ۴- تجاوز (۱۵).

دیوان به محض تاسیس صلاحیت رسیدگی به هر چهار دسته جرائم را در صورتی که پس از لازم الاجرا شدن اساسنامه ارتکاب یافته باشند (۱۶) خواهد داشت. معذالک « اعمال صلاحیت » نسبت به رسیدگی به جرم تجاوز، مطابق بند ۲ ماده ۵ (که به مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ ارجاع داده است) تا تعریف جرم مزبور (که در جریان کنفرانس بازنگری قرار است ارائه گردد) معلق خواهد ماند. به بیان ساده تر، پس از تاسیس دیوان کیفری بین المللی مادام که جرم تجاوز تعریف نشده است در دیوان قابل رسیدگی نخواهد بود. دلیل این امر آن است که فصل هفتم منشور ملل متحد وظیفه پاسداری از صلح بین المللی و جلوگیری از تجاوز و احراز آن رابه شورای امنیت سازمان ملل متحد واگذار نموده است (۱۷) و طبعاً اعضای شورای مزبور مایل

12 - Genocide

14 - War Crimes

13 - Crimes against humanity

15 - Agression

۱۶- به موجب ماده ۲۴ مقررات اساسنامه عطف به ماسبق نخواهند شد.

۱۷- به موجب ماده ۳۹ منشور: شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز

ادامه پاورقی ۱۷ در صفحه بعد:

به واگذاری صلاحیت مزبور به دیوان کیفری بین‌المللی نیستند. در کنفرانس رم نیز پافشاری و استدلال کشورهای نظیر جمهوری اسلامی ایران (۱۸)، هند و مکزیک در مخالفت با صلاحیت شورای امنیت نسبت به رسیدگی یا تشکیل دادگاه رسیدگی کننده از سوی شورای مزبور به این راه حل بینابینی منجر شد که صلاحیت دیوان نسبت به رسیدگی به جرم تجاوز شناسائی شود. نهایتاً اعمال آن موکول به تعریف تجاوز گردید.

باید خاطر نشان ساخت که شورای امنیت که با اراده ایالات متحده آمریکا در سال‌های اخیر به تشکیل دادگاه‌های در رابطه با جرائم ارتكابی در قلمرو یوگسلاوی سابق و رواندا دست زده است طبعاً مایل به این تفسیر از منشور است که پاسداری از صلح بین‌المللی و مآلاً تشکیل محاکم بین‌المللی کیفری به عهده شورای مذکور است. به همین خاطر است که ایالات متحده آمریکا اساساً از تشکیل و تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی که مستقل از شورای امنیت بتواند به جرائم بین‌المللی رسیدگی نماید ناخشنود بوده و هست.

به هر حال در سند نهائی کنفرانس دیپلماتیک رم چنین پیش‌بینی شده است که کمیسیونی که مأموریت پیگیری تاسیس دیوان را عهده دارد پیشنهادهایی در مورد تعریف جرم تجاوز ارائه نماید تا در جریان کنفرانس بازنگری، که ۷ سال پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه برگزار خواهد شد، مطرح شوند.

بقیه پاورقی ۱۷:

را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود. ۱.

۱۸- استدلال ما به عنوان هیات ایرانی این بود که شورای امنیت سازمان ملل متحد قبل از هر چیز یک ارگان سیاسی است و نه قضائی. در صورتی که دیوان کیفری بین‌المللی که از سوی جامعه دولتها در شرف تاسیس است مرجعی قضائی است و بنابراین دیوان می‌بایست صلاحیت رسیدگی به جرم تجاوز را داشته باشد.

سه جرم دیگری که در صلاحیت دیوان قرار دارد یعنی نسل کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی در مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه تعریف شده و یا مصادیق آنها ذکر گردیده است. به طور اختصار منظور از نسل کشی آن است که شخص یا اشخاصی به انگیزه های ملی قومی، نژادی یا مذهبی گروهی را از بین ببرد.

جرائم علیه بشریت که از بحث انگیزترین موضوعات کنفرانس رم بود در ۱۱ مورد احصا شده اند. هر حمله گسترده یا سازمان یافته علیه غیر نظامیان، قتل افراد یک گروه، به بردگی گرفتن، تبعید یک جمعیت، تعقیب و آزار مداوم یک گروه به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی و یا جنسیت همه از مصادیق جرائم علیه بشریت شمرده شده اند.

در مورد جرائم جنگی، نقض کنوانسیون های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو به منزله جرم جنگی دانسته شده و ۸ بند به بیان مواردی که جرم جنگی تلقی می گردد اختصاص داده شده است. همچنین نقض عرف مسلم حقوق بین الملل که در ۲۶ بند از آنها یاد شده است به عنوان جرائم جنگی در صلاحیت رسیدگی دیوان کیفری بین الملل قرار گرفته است. مهمتر از این دو مورد، صلاحیت رسیدگی دیوان نسبت به مخاصمات مسلحانه « داخلی » است. آشوب و شورش های داخلی اعم از آنهایی که با ماده ۳ مشترک در کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ منطبق می شوند و یا موارد غیر آن ها که می توانند به عنوان نقض فاحش قوانین و عرف های قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه « غیر بین المللی » تلقی شوند همگی در صلاحیت رسیدگی به دیوان کیفری بین المللی قرار گرفته اند. صلاحیت دیوان نسبت به رسیدگی به مخاصمات مسلحانه داخلی « غیر بین المللی » مسلماً از موضوعات مهم مندرج در اساسنامه است که علیرغم مخالفت های کشور عرب و مسلمان به تصویب رسید.

## قسمت سوم

### چه دولت یا دولتهائی می‌بایست صلاحیت دیوان را پذیرفته باشند؟

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی مبتنی بر یک معاهده است، به عبارت دیگر شماری از دولت‌ها توافق کرده‌اند که مرجعی بین‌المللی برای رسیدگی به جرائم موضوع اساسنامه تاسیس نمایند. به موجب اصل اثر نسبی معاهدات، معاهده تنها نسبت به کشورهای معاهد لازم‌الاجرا و لازم‌الوفاست. دولت‌های ثالث علی‌الاصول تعهدی نسبت به اجرای معاهده منعقدہ بین سایر دولت‌ها ندارند. بدین ترتیب هرگاه دولتی به عضویت اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی درنیاید علی‌الاصول حقوق و تکالیفی در دیوان نخواهد داشت زیرا عدم عضویت یک دولت به این معناست که وی صلاحیت دیوان کیفری را پذیرفته است.

به همین دلیل مطابق اساسنامه تنها دولت‌های «عضو» (به جز دادستان و شورای امنیت) حق ارجاع یک وضعیت به دیوان را خواهند داشت (ماده ۱۳) و عضویت یک دولت به این معناست که وی صلاحیت دیوان کیفری را پذیرفته است.

بنابراین ارجاع یک وضعیت به دیوان توسط دولت «غیر عضو» مقبول نخواهد بود. از سوی دیگر اصل اثر نسبی معاهدات ایجاب می‌نماید که هنگامی که وضعیت ارجاعی به دیوان به دولت‌هائی مرتبط باشد که به عضویت اساسنامه درنیامده‌اند دیوان صلاحیت رسیدگی به امر مرجوع‌الیه را نداشته باشد.

اما سؤال این است که چه دولت یا دولت‌هائی می‌بایست مرتبط با موضوع تلقی شوند؟ دولتی که جرم در قلمرو وی واقع شده است یا دولتی که متهم یا متهمین تابعیت وی را دارند؟ و یا هر دو اینها؟

در جریان مذاکرات اساسنامه پاره‌ای از کشورها بر این نکته پافشاری کرده‌اند که دولت متبوع متهم الزاماً باید صلاحیت دیوان را پذیرفته باشد تا دیوان بتواند به

مسئله رسیدگی نماید. بعضی دیگر چنین گفته‌اند که هر دو دولت مذکور می‌بایست به عضویت اساسنامه در آمده باشند. نظر دیگر این بوده است که عضویت هر کدام از دو دولت کافی برای اعمال صلاحیت دیوان است (۱۹).

در این خصوص اساسنامه راه حل عجیبی اتخاذ نموده است: ماده ۱۲ اساسنامه اولاً بین موردی که ارجاع‌کننده وضعیت دولت عضو و یا دادستان است با موردی که ارجاع‌کننده شورای امنیت است تفاوت قائل شده است.

در فرض اول (یعنی در صورتی که ارجاع‌کننده وضعیت به دیوان، دولت قبول‌کننده صلاحیت دیوان یا دادستان باشد) برای اعمال صلاحیت دیوان لازم و کافی است که یکی از دو دولت (دولتی که در قلمروی جرم واقع شده است و یا دولت متبوع متهم) عضو اساسنامه باشند (و یا صلاحیت دیوان را پذیرفته باشند). نتیجه آنکه هرگاه سربازان حافظ صلح ایالت متحده در قلمرو دولتی که عضو اساسنامه است مرتکب یکی از جرائم موضوع صلاحیت دیوان بشوند و ایالات متحده به عضویت اساسنامه در نیامده باشد دیوان صلاحیت رسیدگی به جرائم آنان - با وجود عدم رضایت دولت ایالات متحده به صلاحیت دیوان - را خواهد داشت و بالعکس چنانچه سربازان کشوری که عضو اساسنامه است در کشوری مثلاً جمهوری اسلامی ایران - مرتکب جرائم مذکور گردند و جمهوری اسلامی ایران به اساسنامه نپیوسته باشد، دیوان صلاحیت رسیدگی به موضوع را خواهد داشت.

ثانیاً مستفاد از ماده ۱۲ این است که در فرضی که موضوع از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع شده است رضایت هیچ دولتی شرط اعمال صلاحیت دیوان نیست. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که از اصل عدم تأثیر معاهده نسبت به دولت‌های

۱۹ - نمایندگی ایالات متحده آمریکا بر این عقیده بوده است که دیوان تنها در صورتی صلاحیت رسیدگی به امری را داشته باشد که هر دو دولت (دولت سرزمینی و دولت متبوع متهم) صلاحیت دیوان را پذیرفته باشند و یا لاقلاً صلاحیت دیوان توسط دولت متبوع متهم پذیرفته شده باشد. در این مورد ن. ک. به گزارش دیوید شفر رئیس هیأت نمایندگی آمریکا که به کمیته روابط خارجی سنای آمریکا ارائه نموده است.

ثالث تا حدود زیادی در اساسنامه دیوان به نفع صلاحیت دیوان عدول شده است. توجیه مساله در فرض اخیر یعنی در صورتی که موضوعی از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع گردید چنین است که شورای امنیت به موجب اختیارات ناشی از فصل هفتم منشور ملل متحد این اختیار را داشته و دارد که به طرق مقتضی به اقداماتی که برای حفظ صلح و امنیت جهانی لازم است دست بزند. معذالک آنچه که قابل توجه است این است که قدر متیقن اختیارات شورای مذکور انجام اقداماتی در رابطه با جرم تجاوز و نهایتاً اقدام برای حفظ صلح بوده است و نه اقدام برای رسیدگی به منازعات مسلحانه داخلی (غیر بین المللی) و یا همه مواردی که در اساسنامه به عنوان جرائم علیه بشریت از آن‌ها نام برده شده است. به علاوه چنانچه حوزه صلاحیت دیوان در آینده نسبت به جرائمی از قبیل تروریسم و مواد مخدر توسعه یابد شورای امنیت اختیار خواهد یافت که طیف بسیار گسترده‌ای از جرائم عرفی و معاهداتی را به دیوان کیفری بین المللی ارجاع نماید قطع نظر از اینکه اقدامات قبلی شورای امنیت در تشکیل دادگاه‌های اختصاصی بین المللی به استناد اختیارات حاصله از منشور تاکنون نیز مواجه با انتقادات بسیار بوده است.

### قسمت چهارم

#### صلاحیت دیوان نسبت به مقامات کشورها

مطابق ماده ۲۵ اساسنامه، دیوان تنها نسبت به رسیدگی به جرائم اشخاص «حقیقی» صلاحیت خواهد داشت (۲۰). سؤال این است که آیا سمت‌های رسمی افراد و خصوصاً «مصونیت‌های شناخته شده در حقوق داخلی یا حقوق بین الملل در مورد مقامات رسمی مانع از رسیدگی به جرائم آنان خواهد بود یا نه. ماده ۲۷

۲۰ - مساله مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی علیرغم پافشاری‌های نمایندگی فرانسه مورد تأیید نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس رم قرار نگرفت.

اساسنامه تصریح نموده است که سمت های رسمی افراد و بطور مشخص ، سمت رسمی رئیس دولت ، عضو دولت ، عضو مجلس ، نماینده دولت رافع مسئولیت کیفری نیست . به علاوه مصونیت های مقامات رسمی نیز « موجب نمی گردند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید » .

### گفتار دوم

#### رابطه دیوان کیفری بین المللی با شورای امنیت سازمان ملل متحد

مساله چگونگی رابطه شورای امنیت با دیوان کیفری بین المللی از مهم ترین مسائل مورد بحث اساسنامه بوده است . شورای امنیت به پشتوانه اختیاراتی که در حفظ صلح و امنیت بین المللی برای خود قائل است در سال های اخیر اقدام به تاسیس دو دادگاه کیفری بین المللی یعنی دادگاه یوگسلاوی سابق و دادگاه رواندا نموده است . بدین لحاظ شورای مزبور نمی توانسته است نسبت به صلاحیت ها و اختیاراتی که برای دیوان کیفری بین المللی پیش بینی می شود بی تفاوت باشد . بنظر کشورهای نظیر ایالات متحده آمریکا در صورتی که دیوان کیفری بین المللی بتواند مستقل از شورای امنیت به رسیدگی به جرائم مهم بین المللی و خصوصاً جرم تجاوز پردازد مقررات منشور ملل متحد نادیده گرفته خواهد شد . در این دیدگاه دیوان کیفری بین المللی می بایست از تصمیمات شورای امنیت تبعیت نموده و در مرحله بعد از شورا وارد عمل شود . معذالک کشورهای زیادی بر استقلال دیوان از شورای امنیت همواره تأکید داشته اند . حاصل این اختلافات سرانجام این بود که اساسنامه دیوان کیفری در دو نقطه به شورای امنیت نقش ممتازی بدهد . یکی اعطای حق ارجاع امر به دیوان است بدون آنکه رضایت هیچ دولتی شرط صلاحیت دیوان باشد ( که قبلاً در این مورد توضیح دادیم ) و دوم مقرراتی است که در ماده ۱۶

اساسنامه آمده است. به موجب این ماده شورای امنیت حق دارد که از دیوان بخواهد که تحقیق یا تعقیب امری را مدت ۱۲ ماه معلق نماید و این درخواست می‌تواند پس از انقضای ۱۲ ماه مجدداً تجدید گردد. بدین ترتیب اساسنامه به شورای امنیت حق «وتوی موقت» در اعمال صلاحیت دیوان را اعطا نموده است. شناسائی حق مزبور بی تردید معنایی جز فلج کردن رسیدگی دیوان و نقض استقلال آن ندارد. حقیقت این است که دولت‌های حامی دیوان کیفری مستقل در مقابل فشار ایالات متحده تسلیم شده‌اند. آنچه که نهایتاً آنان را وادار به قبول این امر نموده است شاید این باشد که شناسائی این اختیار برای شورا به معنای آن نیست که شورای مزبور هر زمان که بخواهد بتواند آن را اعمال نماید چه صدور قطعنامه تعلیق تحقیق و تعقیب از سوی شورا در انظار جامعه جهانی همیشه موجه نخواهد بود. به عبارت دیگر فشار افکار عمومی جهانی اجازه نخواهد داد که شورای امنیت تنها به لحاظ ملاحظات ساسی پاره‌ای از اعضا همیشه بتواند روند تعقیب و تحقیق را در دیوان متوقف سازد.

### گفتار سوم

#### تشکیلات دیوان

فصل چهارم اساسنامه مربوط به «تشکیلات و اداره دیوان» است. دیوان کیفری به تبعیت از نظام کشورهای نظیر فرانسه، سوئیس و بلژیک دارای دادسرائی است که دادستان ریاست آن را به عهده دارد. مطابق ماده ۳۶ دیوان علی‌الاصول متشکل از ۱۸ قاضی خواهد بود که علاوه بر هیات رئیسه، بخش مقدماتی، شعبه بدوی و شعبه تجدید نظر را اداره خواهند کرد. اما آنچه که واجد اهمیت بیشتری است شرایطی است که برای قضات در نظر گرفته شده است. در تدوین اساسنامه برای تعیین شرایط قضات دو دیدگاه در مقابل هم قرار داشته‌اند: دیدگاهی که بیشتر به تجربه قاضی در رسیدگی به امور کیفری تأکید می‌کرده است و دیدگاهی که به صلاحیت



علمی و تخصصی قضات نظر داشته است. می دانیم که ماده ۲ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری چنین مقرر نموده است که قضات دیوان مزبور می بایست « واجد شرایطی باشند که برای انجام مشاغل عالی قضائی در کشور خود لازم است یا از جمله متبحرین در علم حقوق باشند که تخصص آنها در حقوق بین الملل شهرت به سزائی دارد ». بنابراین تصدی منصب قضائی در دیوان بین المللی دادگستری حداقل به یکی از دو شرط نیازمند است:

۱- وجود شرایط لازم برای انجام مشاغل عالی قضائی در کشور داوطلب.

۲- تخصص و تبحر در حقوق بین الملل.

شرایط تصدی منصب قضائی در دیوان کیفری بین المللی به شرحی که در بند ۳ ماده ۳۶ آمده چنین است:

« الف ) قضات از میان افرادی که دارای سجایای عالی اخلاقی بوده و به بی طرفی و کمال شناخته شده و حائز شرایط لازم برای تصدی عالی ترین مقامات قضائی در کشور خود باشند، انتخاب خواهند شد.

ب ) هر کدام از داوطلبان شرکت در انتخابات دیوان می بایست:

۱) دارای صلاحیت شناخته شده در زمینه های حقوق و دادرسی کیفری بوده و تجربه لازم در رسیدگی به امور کیفری داشته باشند، خواه به عنوان قاضی یا دادستان یا وکیل یا هر سمت مشابه دیگر در رسیدگی به امور کیفری، یا .....

۲) دارای صلاحیت شناخته شده در زمینه های مربوط به حقوق بین الملل مثل حقوق بین الملل انسانی و حقوق بشر بوده و همچنین تجربه چشمگیری در یک سمت قضائی که متضمن منافی برای کار قضائی دیوان باشد، داشته باشند.

ج ) برای احراز هر سمتی در دیوان، شناخت عالی و تسلط عملی بر حداقل یکی از زبانهای کاری دیوان لازم است. «

بنابراین قضات دیوان کیفری بین المللی می بایست از میان افراد مجرب در دادرسی

های کیفری و یا از متخصصین حقوق بین الملل که واجد تجربه قضائی نیز باشند انتخاب گردند. همچنین قضات دیوان کیفری بین المللی می بایست شناخت عالی و تسلط عملی به یکی از زبان های کاری دیوان داشته باشند. زبان های کاری دیوان مطابق بند ۲ ماده ۵۰ انگلیسی و فرانسه است.

لازم به ذکر است که مطابق بند ۷ ماده ۳۶ « بیش از یک نفر از اتباع یک دولت نمی تواند عضو دیوان باشد ». هر دولت تنها می تواند یک نفر را برای یک انتخابات معین معرفی نماید که لازم نیست از اتباع وی باشد اما لازم است که از اتباع یکی از دولت های عضو اساسنامه باشد ( قسمت ب بند ۴ ماده ۳۶) داوطلبان با « ارائه مدرکی که بطور مشخص نشان بدهد که واجد خصوصیات مذکور در بند ۳ هستند » مطابق با مقررات مربوط به معرفی داوطلبان مناصب عالی قضائی در دولت مربوطه یا مطابق با مقررات مربوط به معرفی داوطلبان مناصب قضائی در دیوان بین المللی دادگستری برای شرکت در انتخابات معرفی خواهند شد (قسمت الف از بند ۴ ماده ۳۶).

مساله معرفی قضات به دیوان کیفری بین المللی قطعاً از اهمیت ویژه ای برخوردار است و کشورهایی نظیر جمهوری اسلامی ایران که تاکنون نتوانسته اند در محاکم بین المللی قاضی داشته باشند می بایست در این زمینه فکر و سرمایه گذاری نمایند (۲۱).

### گفتار چهارم

### همکاری های بین المللی با دیوان

موضوع دیگری که واجد اهمیت فراوان است مساله همکاری های بین المللی با دیوان کیفری بین المللی است. ابتدا باید خاطر نشان ساخت که اصل اولی حاکم بر

اساسنامه، ضرورت همکاری دولتهای عضو است. و دولت های غیر عضو علی الاصول تعهدی بر همکاری با دیوان ندارند. معذالک، دولت های غیر عضو در شرایطی که توافق نامه ویژه ای با دیوان به امضا برسانند متعهد به همکاری با دیوان خواهند شد (بند ۵ ماده ۸۷). از مهم ترین تعهدات دولت های عضو، استرداد اشخاصی است که تحت تعقیب دیوان بوده و ممکن است در قلمرو دولت عضو بسر ببرند. استرداد شخص، در صورتی که دیوان موضوع را قابل رسیدگی تشخیص داده باشد الزامی است و محاکم دولت های عضو نمی توانند شکایت احتمالی شخص مورد درخواست را که مدعی است به پرونده قبلاً رسیدی شده است بپذیرند (بند ۲ ماده ۸۹). و در صورتی که شخص مورد نظر تحت تعقیب محاکم ملی بوده و یا در حال تحمل کیفر به دلیل ارتکاب جرمی غیر از آنچه که موضوع درخواست دیوان است باشد، دولت عضو می بایست به درخواست دیوان ترتیب اثر بدهد (بند ۴ ماده ۸۹).

به جز همکاری با دیوان در مساله استرداد، دولت های عضو موظفند به درخواستهای دیوان دایر بر انجام تحقیق یا تعقیب در قلمرو خود (به شرحی مذکور در ماده ۹۳) ترتیب اثر بدهند. این درخواست ها می تواند راجع به تعیین هویت یک شخص یا تعیین محل وی یا محل اموال یا جمع آوری ادله و تحقیق از اشخاص یا ابلاغ اوراق محل قضائی و مواردی از این قبیل باشد.

دولت عضو تنها در صورتی می تواند درخواست همکاری دیوان را رد نماید که «در مورد تهیه مدارک یا انتشار ادله ای باشد که به امنیت ملی آن کشور مربوط می شود» (بند ۴ ماده ۹۳). معذالک، دولت مزبور می بایست «دلایل خود را بدون تاخیر به دادگاه و دادستان اعلام نماید» (بند ۶ ماده ۹۳).

در صورتی که دولت عضو بر خلاف مقررات اساسنامه به درخواست همکاری دیوان ترتیب اثر ندهد و دیوان را از اجرای وظایف و اختیارات خود باز دارد، «دیوان

می‌تواند مساله را در مجمع دولت‌های عضو یا در مواردی که شورای امنیت به دیوان مراجعه کرده باشد نزد شورای مزبور مطرح نماید» (بند ۷ ماده ۸۷). اینکه مجمع دولت‌های عضو و یا شورای امنیت در این مورد چه تصمیمی خواهند گرفت اساسنامه ساکت است. تنها در بند «و» ماده ۱۱۲ که مربوط به «مجمع دولت‌های عضو» است، از «بررسی هر مساله مربوط به عدم همکاری» دولت‌ها سخن به میان آمده است.

### گفتار پنجم

#### هزینه‌های دیوان

مطابق ماده ۱۱۴ اساسنامه، هزینه‌های دیوان و مجمع دولت‌های عضو از صندوق دیوان پرداخت خواهد شد. ماده ۱۱۵ منابع تأمین‌کننده صندوق دیوان را برشمرده است:

الف: سهم‌های مقرر دولتهای عضو.

ب: وجوهی که سازمان ملل متحد با تصویب مجمع دولتهای عضو پرداخت می‌کند به ویژه در مورد هزینه‌هایی که ناشی از ارجاع شورای امنیت است.»  
دیوان همچنین می‌تواند در شرایطی «وجوه اضافی، کمک‌های داوطلبانه حکومت‌ها سازمان‌های بین‌المللی، افراد، بنگاه‌ها و منابع دیگر را برطبق ملاک‌هایی که مجمع دولت‌های عضو تصویب می‌کند، دریافت و به مصرف برساند (ماده ۱۱۶).

ماده ۱۱۷ به چگونگی تعیین سهم هر کشور پرداخته و چنین مقرر نموده است:  
سهم هریک از کشورهای عضو به موجب جدولی که اعضا بر روی آن توافق کرده‌اند، تعیین خواهد شد. این جدول مبتنی بر جدولی است که سازمان ملل متحد

برای بودجه عادی خود تصویب کرده است و بر طبق اصولی که مبنای جدول سازمان ملل می باشد، تنظیم می گردد .  
 بدین ترتیب چنانچه عضویت در دیوان منافی برای کشورهای عضو دربر خواهد داشت، متضمن تحمل هزینه هائی نیز خواهد بود .

### بخش سوم

#### مواضع هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس رم

هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس رم تمامی تلاش خود را به کار گرفت تا با شرکت در مباحثات کمیته های گوناگون و هماهنگی با کشورهای اسلامی و کشورهای عضو جنبش غیر متعهد ها استراتژی خود را در محورهای زیر دنبال نماید :

#### الف = استقلال دیوان نسبت به شورای امنیت سازمان ملل متحد

این يك واقعیت است که منشور ملل متحد وظیفه حفظ صلح و امنیت بین المللی و احراز وقوع تجاوز را به عهده شورای امنیت نهاده است . معذالک این بدان معنا نیست که منشور ملل متحد رسیدگی قضائی به جرائمی که علیه صلح و امنیت بین المللی ارتکاب می یابند را به عهده شورا نهاده باشد و یا شورا بتواند راساً دادگاههای کیفری بین المللی تأسیس نماید . بعلاوه ناتوانی عملی شورای مزبور در احراز تجاوز به دلیل ماهیت سیاسی آن به ویژه نفوذ سیاسی پاره ای از اعضای شورا، این ارگان منشور را به وسیله ای برای حفظ صلح در معنا و زمانی که با منافع اعضای قدرتمند آن ارتباط دارد تبدیل نموده است .

بنابراین اگر قرار است جامعه بین‌المللی به تاسیس دادگاهی بین‌المللی برای رسیدگی به جرائم بین‌المللی دست یازد، شورای امنیت می‌بایست از اختیارات ادعائی خود در مورد تشکیل دادگاه بین‌المللی دست بردارد.

بعلاوه شورای امنیت یک مرجع قضائی نیست و رسیدگی به جرم تجاوز نیز، می‌بایست در دامنه صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار گیرد. در این رابطه نظر هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس رم بدین شرح اعلام گردید:

(( نظر هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران به طور قاطع بر این است که دیوان کیفری بین‌المللی می‌بایست به رسیدگی به جرم تجاوز صلاحیت داشته باشد. به نظر ما در وضعیت فعلی توسعه حقوق بین‌الملل یعنی شرایطی که جامعه بین‌المللی به این مرحله رسیده است که یک دیوان کیفری بین‌المللی را تأسیس نماید عدم ذکر تجاوز در این اساسنامه تهدیدی برای موفقیت جهانی این دادگاه خواهد بود. همه ما می‌دانیم که شورای امنیت تا امروز مشکلات زیادی برای تعریف شناسائی و مجازات تجاوز یا تجاوزگر داشته است و این درحالی است که ما امروز در حال تأسیس مرجعی قضائی و بین‌المللی برای رسیدگی به مهمترین جرائم بین‌المللی هستیم. وانگهی همانگونه که نمایندگی سوئد اشاره کرد چنانچه این دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرم تجاوز را نداشته باشد بیش از هرچیز یک دادگاه سمبلیک و غیر مؤثر خواهد بود. در مورد تعریف جرم تجاوز، به نظر هیأت نمایندگی ایران تعریف مندرج در قصصنامه شماره ۳۳۱۴ سال ۱۹۷۴ تعریفی است که همچنان مورد قبول است. بعلاوه تعریف مذکور در گزینه ۲ اساسنامه نیز می‌تواند تعریف قابل قبولی باشد اما در مورد سایر جرائم به نظر ما همانگونه که بسیاری از نمایندگی‌ها در ابتدای پیش‌نویس ماده ۵ محدود شویم)).

نهایتاً کنفرانس رم صلاحیت دیوان نسبت به رسیدگی به جرم تجاوز را پذیرفت اما کشورهای قدرتمند شورای امنیت و همسویان آنها که معتقد بودند که هنوز تعریف قابل قبولی از جرم تجاوز وجود ندارد توانستند صلاحیت رسیدگی دیوان به جرم تجاوز را تا زمان تعریف آن (به شرحی که قبلاً ذکر شد) معلق نمایند.

### ب = نفی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

از جمله مسائل مورد بحث کنفرانس رم مسأله مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بود. بندهای ۵ و ۶ ماده ۲۳ پیش نویس اساسنامه که به عنوان «گزینه» ذکر شده بود متضمن نظریه دولت هائی بود که معتقد به صلاحیت دیوان نسبت به جرائم اشخاص حقوقی نیز بودند. در بند ۵ ماده ۲۳ چنین آمده بود:

«دیوان نسبت به اشخاص حقوقی - به استثنای دولت ها - نیز واجد صلاحیت است موقعی که دستگاه ها یا نمایندگان اشخاص مذکور جرائم را به نام همان اشخاص حقوقی مرتکب شده باشند.»

از میان کشورهای شرکت کننده عمدتاً نمایندگی فرانسه بر صلاحیت دیوان نسبت به جرائم اشخاص حقوقی پافشاری داشت. معذالک غالب کشورها (۲۲) و از جمله جمهوری اسلامی ایران با درج مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اساسنامه مخالفت کردند نظر هیأت نمایندگی ایران در نفی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بدین گونه اعلام گردید:

((به نظر ما مسأله مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی نباید در اساسنامه آورده شود زیرا مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی متضمن مشکلات فراوانی از حیث مفهوم، بار دلیل، اجرا و غیره خواهد بود. وانگهی حقوق داخلی بسیار از کشورها مفهوم

مسئولیت اشخاص حقوقی را نمی‌شناسد. بدین ترتیب اگر این معنا در اساسنامه آورده شود ممکن است تعداد زیادی از دولتها اساسنامه را نپذیرند. البته ما می‌دانیم که مسأله مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی موضوع قابل بحثی است اما در شرایط فعلی با وجود اختلافات بسیار و کمبود وقت و اختلاف تفاسیر، اعتقاد ما بر این است که اساسنامه باید به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی اکتفا کند)).

باتوجه به اصرار نمایندگی فرانسه، رئیس جلسه به نمایندگی کشور مزبور پیشنهاد نمود که چنانچه طرحی که متضمن اشکالات وارده نباشد ارائه نماید مسأله مجدداً به بحث گذاشته خواهد شد.

متعاقباً پیشنهاد جدیدی از سوی فرانسه مطرح شد که در گروه کاری مورد بحث قرار گرفت. باوجود آنکه پاره ای از کشورها (۲۳) موافقت خود را (غالباً) به طور مشروط) با طرح جدید فرانسه اعلام کردند غالب نمایندگی‌ها باز با پیشنهاد فرانسه مخالفت کردند.

نهایتاً ماده ۲۵ اساسنامه صلاحیت دیوان نسبت به جرائم اشخاص حقوقی را نفی کرد.

### ج = عدم تاثیر مجازات‌ها بر قوانین ملی

در فصل مربوط به مجازات‌ها، مجازات اعدام از مهمترین مسائل مورد بحث نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس رم بود. پاره ای از کشورها با درج مجازات اعدام در اساسنامه مخالفت داشتند (۲۴). در مقابل، کشورهای دیگری و خصوصاً کشورهای عرب و اسلامی معتقد به درج مجازات اعدام در اساسنامه بودند (۲۵).

۲۳ - مصر، تانزانیا، روسیه (با اصلاحات)، سنگاپور (موافقت اصولی)، انگلستان، چین (بعد از رفع پاره ای از اشکالات) (ملاوی، ایالات متحده (موافق مشروط، آماده برای مذاکره).

۲۴ - فرانسه، اسپانیا، مکزیک، مجارستان، آرژانتین، شیلی، نروژ، روسیه، سوئد، واتیکان.

۲۵ - مصر، امارات عربی، عراق، لیبی، کویت، سوریه، عمان، عربستان، قطر، سوئد.



چنین گفته می‌شد که نظر به تحولاتی که در حقوق داخلی کشورهای اروپایی در مورد حذف مجازات اعدام واقع شده است، عدم درج مجازات اعدام در اساسنامه موجب خواهد شد که در آینده کشورهایی که مجازات اعدام در حقوق داخلی آنها وجود دارد برای حذف مجازات مزبور تحت فشار قرار گیرند. کشورهای اروپایی نیز دلایل مخالفت خود را با مجازات اعدام چنین عنوان می‌کردند که اولاً مجازات اعدام در قوانین داخلی آن‌ها حذف شده است و ثانیاً آنان به موجب کنوانسیون‌های بین‌المللی متعهد به پی‌گیری سیاست مخالفت با اعدام شده‌اند و بنابراین نمی‌توانند برخلاف تعهدات بین‌المللی خود سند دیگری را به امضاء برسانند. این نظر نیز ابراز گردید که با توجه به تکمیلی بودن صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به محاکم ملی، عدم ذکر مجازات اعدام در اساسنامه موجب تناقض بین مقررات اساسنامه با قوانین ملی خواهد بود (۲۶).

قابل ذکر است که قبل از طرح مسأله در اجلاس موضوع در بین اعضای هیأت مورد بحث فراوان واقع شد. سؤال این بود که از مجازات اعدام در اساسنامه حمایت شود یا خیر؟ از یک سو مجازات اعدام در قوانین داخلی ما موجود است و حذف آن در اساسنامه ممکن است منتهی به این بشود که در آینده قوانین داخلی ما در این زمینه مورد مخالفت و تعرض دائم کشورهای غربی واقع شود و از سوی دیگر مسأله به این نیز بستگی دارد که رابطه آتی ما با این دادگاه به چه نحو خواهد بود؟ آیا بیشتر به عنوان شاکی در این محکمه حضور خواهیم داشت یا به عنوان متهم؟ در صورت اخیر، آیا بهتر نیست که مجازات اعدام حذف شود؟ بعلاوه، این دیوان نه یک دادگاه عدل اسلامی بلکه یک محکمه بین‌المللی است که دولتهای جهان تحت شرایط معینی برای تشکیل آن توافق نموده‌اند. در این صورت آیا صرف اینکه مجازات اعدام در حیطه مقررات شرع و مالاً قوانین ما نیز وجود دارد ما را متعهد به

حمایت از مجازات اعدام در قالب این اساسنامه نیز می‌کند؟

راه حلی که نهایتاً در اساسنامه آمدن بود که مجازات اعدام از شمار مجازات های قابل اعمال توسط دیوان حذف شود اما در اساسنامه تصریح گردد که این معنا تاثیری بر قوانین داخلی کشورها نخواهد داشت. به موجب ماده ۸۰ اساسنامه:

هیچ موردی از موارد مذکور در این فصل از اساسنامه بر اجرای مجازات‌هایی که قوانین ملی مقرر کرده اند، تاثیر نمی‌گذارند همچنانکه بر قوانین کشورهای که مجازات‌های مشروحه در این فصل را در قوانین خود پیش بینی نکرده اند، بی‌تاثیر هستند.

#### د = جرائم علیه بشریت

مواردی که به عنوان جنایات علیه بشریت در ماده ۷ اساسنامه آمده است از قبیل قتل، به بردگی گرفتن افراد، تبعید اجباری یک جمعیت، تجاوز جنسی، حاملگی اجباری، فحش‌های اجباری، تعقیب و آزار مداوم یک گروه به انگیزه های سیاسی، نژادی، جنسیت و غیره از حیث جرم بودن با اصول و موازین اسلامی انطباق دارد. و در نتیجه نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در جرم شمردن این موارد موافقت داشت. النهایه تفسیر وسیع پاره ای از اصطلاحات مذکور در ماده ۷ نگرانی‌هایی را در پی داشت. مثلاً گروهی بر این باور بودند که اصطلاح «حاملگی اجباری» شامل قوانینی که سقط جنین را ممنوع می‌دانند خواهد شد. و یا تعقیب همجنس‌گرایان مصداق «تعقیب اشخاص به انگیزه جنسیت» خواهد بود. مخالفت جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دیگر با چنین تفاسیری از اصطلاحات فوق موجب گردید که در ذیل تعریف حاملگی اجباری چنین آورده شود: «این تعریف به هیچوجه نباید طوری تفسیر شود که بر قانون ملی مربوط به حاملگی تاثیر بگذارد» و یا در بند ۳ ماده ۷ تصریح گردد که «در این اساسنامه منظور از اصطلاح جنسیت مفهومی است که عرفاً به دو جنس مرد و زن اطلاق می‌شود. اصطلاح جنسیت به هیچ معنای

دیگری غیر از معنای فوق دلالت نخواهد کرد».

## بخش چهارم تصویب یا عدم تصویب

۹ ماه پس از تدوین اساسنامه، ۸۲ کشور جهان آن را امضاء نموده اند. دو کشور اساسنامه را به تصویب مراجع ذیصلاح داخلی نیز رسانیده اند. پیش بینی می شود که ایتالیا، بلژیک، جمهوری آفریقای مرکزی، فیجی، گابن و لوکزامبورگ به زودی و در جریان سال جاری میلادی اساسنامه را تصویب نمایند. فرانسه که اینک در حال انجام اصلاحاتی در قانون اساسی است بلافاصله پس از این اصلاحات و در نیمه دوم سال جاری میلادی اساسنامه را تصویب خواهد کرد (۲۷). می توان پیش بینی کرد که تا پایان سال ۲۰۰۰، شصت کشور جهان اساسنامه را «تصویب» نموده باشند و دیوان کیفری بین المللی از آغاز سال ۲۰۰۱ کار خود را آغاز نماید.

سوال اساسی این است: که ما چه باید بکنیم؟

واقعیت این است که دلایلی له و علیه امضاء و تصویب اساسنامه در مقابل ماست:

۱- امضاء و تصویب اساسنامه ما را در مقابل مراجعی متعهد خواهد کرد که نه تنها در آن نقش نخواهیم داشت بلکه ابزار و اهرمی خواهد بود که سیاست ها و برنامه های استقلال طلبانه ما را مخدوش خواهد کرد. دیوان اهرمی خواهد بود که بوسیله آن قدرت های بزرگ خواهد توانست اهداف و اغراض خود را بشکل قانونی و بین المللی به ما تحمیل نمایند.

۲- پیوستن به دیوان مستلزم ارتکاب محظورات شرعی است و خصوصاً با قاعده نفی سبیل منافات دارد چه با تسلیم به صلاحیت دیوان باید به این معنا تن در دهیم که غیر مسلمانان قاضی مسلمانان شوند.

۳- کشور ما کشوری چند ملیتی است و هر آن بیم درگیری‌های داخلی - قومی می‌رود. دیوان کیفری نسبت به درگیری‌های داخلی صلاحیتدار است و تسلیم به آن به معنای اذن به ورود و دخالت بیگانگان در امور داخلی خواهد بود.

۴- پیوستن به دیوان مستلزم پرداخت هزینه‌های سنگین و گزافی است که بر مشکلات اقتصادی و مالی ما خواهد افزود.

اینها مهم‌ترین ایراداتی است که بر پیوستن ما به دیوان می‌تواند وارد شود. اما در مقابل، ملاحظات و پاسخ‌هایی نیز وجود دارد:

۱- این واقعیتی است که اگر ما، یا کشورهای اسلامی یا کشورهای غیر متعهد یا کشورهای جهان سوم نقشی در دیوان نداشته باشیم بیم آن وجود دارد که کشورهای قدرتمند غربی از دیوان ابزاری در جهت تأمین اهداف و اغراض خود بسازند. اما سؤال این است که آیا ما نمی‌توانیم در دیوان نقش داشته باشیم؟ آیا امکان هماهنگی با کشورهای اسلامی و یا کشورهای غیر متعهد برای معرفی قضات متعلق به فرهنگ و دین خود نداریم؟ بعلاوه وضعیت فعلی حاکم بر جهان چگونه است؟ مگر نه این است که کشورهای قدرتمند جهان که اعضای اصلی و دائم شورای امنیت سازمان ملل را تشکیل می‌دهند اختیار و وظیفه حفظ صلح بین‌المللی را مربوط به خود می‌دانند؟

تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی که لااقل ۶۰ کشور جهان به آن پیوسته باشند بهتر از وضعیت فعلی نیست؟ نهایت اینکه آیا چنین دادگاهی با قاعده دفع افسد به فاسد سازگار نیست؟

۲- مسأله استیلاء قاضی غیر مسلمان بر مسلمانان مبتنی بر این فرض است که

هیچکدام از دولت های اسلامی نتوانند قاضی مسلمان به دیوان معرفی نمایند. بعلاوه دیوان کیفری یک دادگاه عدل اسلامی نیست بلکه محکمه ای است مبتنی بر توافق دولت های مختلف جهان و انتخاب قاضی به رای و توافق دولت هاست و مگر در دیوان داوری ایران و آمریکا ۶ قاضی (داور) از ۹ قاضی (داور) غیر مسلمان نبوده اند؟

۳- در مورد صلاحیت دیوان نسبت به مخاصمات مسلحانه داخلی باید گفت که مطابق اساسنامه صلاحیت دیوان تکمیلی است به این معنا که صلاحیت اصلی اولی رسیدگی به عهده محاکم ملی است و تنها در فرض عدم توانائی یا عدم تمایل محاکم ملی به رسیدگی، دیوان صلاحیت ورود به مسأله را خواهد داشت.

۴- پیوستن به دیوان دارای این فایده است که به عنوان دولت عضو می توانیم علیه متجاوزین به کشور در آنجا طرح شکایت نمائیم و نیوستن به آن دارای این عیب که مطابق اساسنامه چنانچه مسأله ای از شوری امنیت سازمان ملل در دیوان مطرح شود قطع نظر از اینکه ما به دیوان پیوسته باشیم یا نیوسته باشیم دیوان صلاحیت رسیدگی به موضوع را خواهد داشت. رضایت کشور متبوع متهم یا کشور محل وقوع جرم تنها در صورتی شرط صلاحیت دیوان است که «دولت عضو» و یا «دادستان» (ونه شورای امنیت) قضیه را در دیوان مطرح کرده باشد.

۵- به نظر می رسد با توجه به مخالفت، کار شکنیها و سنگ اندازی های ایالات متحده آمریکا در کار تأسیس دیوان و استراتژی مخالفت جمهوری اسلامی ایران با سیاست های کشور مزبور و با عنایت به قطب بندهای نوین جهانی برخورد فعال با تأسیس دیوان کیفری بین المللی از ناحیه کشورهای نظیر جمهوری اسلامی ایران می تواند به بهبود اوضاع جهانی کمک نماید.

## استراتژی و برنامه ریزی پیشنهادی

- ۱- لزوم هماهنگی با کشورهای اسلامی و احیاناً "دول غیر متعهد در مورد مسائل گوناگون دیوان و خصوصاً معرفی قضات .
- ۲- لزوم تصویب مقرراتی در موارد جرائم داخلی و در صلاحیت دیوان .
- ۳- لزوم شرکت فعال در تدوین متون « آئین دادرسی » و « عناصر تشکیل دهنده جرائم » که ابزار کار دیوان خواهند بود .
- ۴- طرح مسأله و اخذ نظریات صاحب‌نظران و برگزاری سمینارها و کنفرانس ها .
- ۵- ترسیم خط مشی واحد از طریق هماهنگی مراجع ذیربط ( قوه قضائیه ، وزارت امور خارجه ، مجلس و شورای نگهبان ) .

اسامی کشورهای امضاء کننده ( تصویب کننده ) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی تا تاریخ ۱۳۷۸/۲/۳ .

**Ratification Status  
as of 23 April 1999**

STATUS : Signatures : **Ratification : 2 .**

Participant	Signature	Ratification , Acceptance ( A ) approval ( AA ) , accession ( a )
Albania	18 Jul 1998	
Andorra	18 Jul 1998	
Angola	7 Oct 1998	
Anigua and Barbuda	23 Oct. 1998	
Argentina	8 Jan 1999	
Australia	9 Dec 1998	
Austria	7 Oct 1998	
Belgium	10 Sep 1998	
Bolivia	17 Jul 1998	
Burkina Faso	30 Nov 1998	
Burundi	13 Jan 1999	
Bulgaria	11 Feb 1999	
Cameroon	17 Jul 1998	
Canada	18 Dec 1998	
Chile	11 Sep 1998	
Colombia	10 Dec 1998	
Congo	17 Jul 1998	
Costa Rica	7 Oct 1998	
Cote d`Ivoire	30 Nov 1998	
Croatia	12 Oct 1998	
Cyprus	15 Oct 1998	
Czech Republic	13 Apr 1999	
Denmark	25 Sep 1998	
Djibouti	7 Oct 1998	
Ecuador	7 Oct 1998	
Eritrea	7 Oct 1998	
Finland	7 Oct 1998	
France	18 Jul 1998	

STATUS : Signatures : **Ratification : 2 .**

<b>Participant</b>	<b>Signature</b>	<b>Ratification , Acceptance ( A ) approval ( AA ) , accession (a)</b>
Gabon	22 Dec 1998	
Gambia	4 Dec 1998	
Georgia	18 Jul 1998	
Germany	10 Dec 1998	
Ghana	18 Jul 1998	
Greece	18 Jul 1998	
Haiti	26 Feb 1999	
Honduras	7 Oct 1998	
Hungary	15 Jan 1999	
Ireland	26 Aug 1998	
Italy	18 Jul 1998	
Jordan	7 Oct 1998	
Kyrgyzstan	8 Dec 1998	
Latvia	22 Apr 1999	
Lesotho	30 Nov 1998	
Liberia	17 Jul 1998	
Liechtenstein	18 Jul 1998	
Lithuania	10 Dec 1998	
Luxembourg	13 Oct 1998	
Madagascar	18 Jul 1998	
Malawi	2 Mar 1999	
Mali	17 Jul 1998	
Malta	17 Jul 1998	
Mauritius	11 Nov 1998	
Monaco	18 Jul 1998	
Namibia	27 Oct 1998	
Netherlands	18 Jul 1998	
New Zealand	7 Oct 1998	
Niger	17 Jul 1998	
Norway	28 Aug 1998	
Panama	18 Jul 1998	
Paraguay	7 Oct 1998	
Poland	9 Apr 1999	



STATUS : Signatures : **Ratification : 2 .**

Participant	Signature	Ratification , Acceptance ( A ) approval ( AA ) , accession (a)
Portugal	7 Oct 1998	
Samoa	17 Jul 1998	
San Marino	18 Jul 1998	
Senegal	18 Jul 1998	2 Feb 1999
Sierra Leone	17 Oct 1998	
Slovakia	23 Dec 1998	
Slovenia	7 Oct 1998	
Solomon Islands	3 Dec 1998	
South Africa	17 Jul 1998	
Sweden	7 Oct 1998	
Switzerland	18 Jul 1998	
Tajikistan	30 Nov 1998	
Trinidad and Tobago	23 Mar 1999	6 Apr 199
Uganda	17 Mar 1999	
The Former Yugoslav Republic of Macedonia	7 Oct 1998	
United Kingdom	30 Nov 1998	
Venezuela	14 Oct 1998	
Zambia	17 Jul 1998	
Zimbabwe	17 Jul 1998	



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علومو انسانی